

ادامه از صفحه ۹

## از کدام فرهنگ حرف می‌زنید؟

پایین‌تر از منطقه آنها زندگی می‌کند و مشکلاتی برایش وجود دارد که دختر جوان و خانواده‌اش، کمتر با آنها مواجهند: «مشکلات شارژ ساختمان، پارکینگ، خرابی‌های ساختمان که به همه افراد ساکن آن آبارتمان مرتبط است». برایم جالب بود که پاسخش چقدر شبیه پاسخ علی نوروزی بود که پیشتر صحبت‌هایش را شنیده بودم. دختر جوان بسته به فرهنگ هر خانواده و محیطی که آنها در آن رشد پیدا کرده‌اند، می‌تواند مثال‌های نقضی پیدا شود. اما چیزی که امروزه تا حد زیادی با آن مواجهیم، همین خودخواهی بسیاری از افراد و خانواده‌هاست که بدون توجه به خانواده‌های دیگر ساکن در یک آبارتمان، رفتاری انجام می‌دهند که موجب سلب حقوق همسایگان می‌شود.

۳ پسر جوان، بعد از اتمام سخنان نامزدش، شروع به صحبت کرد: «هن علاوه بر پذیرش حرف‌هایی که همسر ایندهام گفت، موارد دیگری را اضافه می‌کنم. سرو صدای افرادی که در پله‌ها بدون توجه به زمان، صبح زود یا آخر شب ترد می‌کنند، کثیفی‌ها و ریختن آشغال‌هایی که محیط مشترک زندگی را آلوده می‌کند هم مربوط به فرهنگ آبارتمان‌نشینی می‌شود. بالا و پایین ندارد؛ همه‌جا همین‌طور است. درست هم نخواهد شد».

به او یادآوری کردم که فرهنگ آبارتمان‌نشینی، از ۱۰ سال پیش تا امروز تغییر کرده؛ چطور می‌تواند از امروز به بعد تغییر نکند؟ پاسخش کوتاه بود. باطمینان گفت: «تغییر می‌کند. قطعاً تغییر می‌کند مدتی می‌شود. تا زمانی که همه، تنها، خود را می‌بینند، وضع بدتر خواهد شد. خیلی بدتر از وضع کنونی».

۴ آن طرف‌تر، پیرمردی ۶۰ ساله که برخلاف سنش، سریع و چابک قدم برمی‌داشت تا نگه داشتیم و سوالم را از او پرسیدم. به نظر دلش پیر بود. برای ازدواج فرزندان، مجبور شده بود خانه ویلایی‌اش را بفروشد و در یک واحد آبارتمان، طبقه دوم زندگی کند. آن هم آبارتمانی در کنار همسایگان جوان و بیچه‌های زیاد. «من و

به‌نظرم اتفاقاً از تباطد دوستانه میان همسایگان، موجب می‌شود تا بیشتر به حریم یکدیگر احترام بگذارند و کمتر موجب نقض حقوق یکدیگر شوند. از علی خواستم از حرفش در مقابل این استدلال دفاع کند. علی اینطور پاسخ داد که: «از تباطد دوستانه و نزدیک میان همسایه‌ها در یک آبارتمان، فی‌نفسه بد نیست. حتی شاید در مواقعی، باعث رعایت بسیاری موارد شود اما عواقب ناگزیر آن، دامن آنها را خواهد گرفت. شاید از دید بسیاری افراد، ارتباط با همسایگان، ارتباط دوستانه و شیرینی باشد اما همین موضوع غالباً باعث می‌شود تا در کار یکدیگر دخالت‌های ناپسندیده و خود را در این امور، محق بدانند. همچنین یکسری از رفتارها وجود دارد که همواره مشکل‌ساز بوده و هست. مسائلی که تقریباً در همه آبارتمان‌های سراسر مناطق شهر، اعم از بالای شهر و جنوب شهر، باعث ایجاد مشکل می‌شوند. مسائل مربوط به پارکینگ و شارژ ساختمان و خرج و مخارج آبارتمان، از این دست هستند. پدر من زمانی مدیر ساختمان بود و یاد نمی‌آید حتی یک ماه، بدون ایجاد مسائلی از این دست، گذشته باشد. برخلاف ظاهر دوستانه روابط، همواره افرادی بودند که هیچ‌گاه نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند با جمع و اکثریت، موافقت کنند».

از علی پرسیدم، ریشه چنین رفتارهایی را چه می‌داند؟

«ریشه این رفتارها، دو چیز است. یکی خودخواهی و دیگری پایبندی به سنت‌هایی که دیگر پاسختگی جامعه امروز نیست. بحث خودخواهی که واضح است. بسیاری از افراد خودشان را از جح می‌دانند و بابت مشکلاتی که برای دیگران ایجاد شده است، دل نمی‌سوزانند یا اهمیتی به آنها نمی‌دهند. به‌طور مثال اگر آسانسور ساختمان خراب شود، همسایه‌های طبقه اول و دوم، ممکن است بگویند ما از آسانسور استفاده نمی‌کنیم. پس دلیلی هم ندارد که هزینه تعمیر آن را متقبل شویم. بحث دیگر، سنت‌های منسوخ است که نه تنها در جامعه و شرایط امروز کارایی ندارند، بلکه ایجاد مزاحمت هم می‌کنند. مثل دخالت‌هایی که پیشتر به آنها اشاره کردم. ارتباط دوستانه و رفت و آمد میان همسایگان، در بسیاری از موارد، در گذشته، امری کاملاً عادی بوده است. اما امروز چنین رفتارهایی موجب آذیت و آزار

اقتشار جامعه‌امیدوار باشیم.

## زندگی‌های شیشه‌ای آبارتمانی

محسن ۳۸ ساله، کارشناس ارشد ارتباطات مشکلات زندگی آبارتمانی از زمانی آغاز شد که خانواده‌ها همچنان پیروز زندگی سنتی خود در خانه‌های حیاط‌دار بودند به گونه‌ای که صحبت کردن با صدای بلند، رفت و آمد در هر زمان از شبانه‌روز، بلندی صدای تلویزیون، رادیو و ضبط صوت تا آن میزان که تمایل دارند و با این تفکر که چهار دیواری اختیاری است! همچنان بر شیوه زندگی جدید سایه‌انداخته بود اما آنان بر شیوه‌های زندگی سنتی پافشاری می‌کردند، بدون آن که توجهی به حقوق همسایه دیوار به دیوار یا همسایه طبقه پایین یا بالایی خود داشته باشند. در حقیقت مردم ما اگر چه از خانه‌های حیاط‌دار به آبارتمان‌های چند طبقه کوچ کرده‌اند اما نتوانستند خود را با فرهنگ جدیدی از زندگی تطبیق دهند. برخی از آنها معتقدند چون پول خرید رهن یا اجاره ملک را داده‌اند، می‌توانند هر گونه که بخواهند زندگی کنند. آنچه از شواهد امر مشخص است فرهنگ، نخستین شاخصه به وجود آمدن زمینه مناسب برای آبارتمان‌نشینی است. پذیرش قواعد زندگی شهرنشینی امروز به معنی پذیرش تغییراتی در الگوهای زیستی در اطراف ما است. این تغییرات در رفتارهای ما نیز وارد شده، علایق و قوانین جدید را به زندگی ما تحمیل می‌کنند. این تغییرات به قالب زندگی اجتماعی ما با دیگران نیز سرایت کرده اما به همین محدود نمانده است. زندگی‌های امروزی در حقیقت ماهیت شیشه‌ای دارند. خانه‌ها یا همان آبارتمان‌ها شیشه‌ای شده‌اند. در چنین شرایطی فرهنگ آبارتمان‌نشینی به معنای توجه به آداب، قواعد و الزام‌های زندگی در محیط جمعی معنا و مفهوم پیدا می‌کند و دوری از آن باعث بالا رفتن مشکلات اجتماعی می‌شود. در بسط این موضوع به مفهوم حقوق شهروندی می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های حقوق شهروندی این است که جامعه را به صورت طبقاتی نگاه نمی‌کند و از این منظر به گسترش برابری‌های اجتماعی و اقتصادی کمک و جامعه را به سمت تحقق آرمان‌های انسانی هدایت می‌کند. از آنجا که آموزش شهروندی برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی است، پس باید بدون تبعیض و به صورت یکسان و به وسیله بخش‌های گوناگون با موضوع فرهنگ آبارتمان‌نشینی و بسیاری از مباحث دیگر برای نهادینه کردن فرهنگ شهروندی عنوان شود.

## یادگیری در خانواده‌های بزرگتر زندگی می‌کنیم

حامد ۳۲ ساله، کارشناس مهندسی معدن زندگی آبارتمان‌نشینی را یاد مجموعه‌ای از گذشت‌ها، مداراها و تحمل‌ها دانست. در واقع در مجموعه‌ای ۱۰، ۱۰۰ و ۲۰۰ خانواده با مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها، عقاید و باورهای منحصی مختلف و گاهی مخالف در کنار هم زندگی می‌کنند. این همزیستی تاوم با رفاه و آسایش نمی‌شود، مگر بپذیریم هر کس عقیده، مرام و اخلاق متفاوتی دارد. همزیستی حاصل نمی‌شود مگر آن که بدانیم و بایر کنیم هر کار خوشایندی از منظر ما، قطعاً برای دیگران چنین نیست. رعایت آسایش دیگران را باید جزئی از برنامه زندگی خود بدانیم. مجموعه آبارتمان متعلق به همه ساکنان است و ما حتی در محدوده ساختمان خود نیز مجبور و مکلف به رعایت حقوق و آسایش دیگرانیم. شاید صدای در زدند و خوانده‌های شبانه برای ما لذت‌بخش باشد، شاید صدای موسیقی برای ما هیجان آور و زیبا باشد، اما قطعاً این برای دیگران چنین نیست و حتی شاید عذاب‌آور شود. زندگی آبارتمانی همراه با شادی و صمیمیت مستلزم رعایت آسایش آن است. شاید سادگان را سوت‌ولی از پارک خودرو دور آرامش در رفت‌وآمد تا چیدمان کفش‌های اهل منزل همه از نکات ویژه در رعایت فرهنگ زندگی در آبارتمان است. امروز با گسترش این فرهنگ آرام‌آرام احترام و تمکین نظر اکثریت به‌رامی در آنچه مورد نوتق کوچک است، نهادینه می‌شود. باید یاد بگیریم ما و دیگران در جامعه‌های بزرگتر از خانواده خود مشغول زندگی هستیم. احترام به عقاید و نظرات فردی و گروهی اسباب رفاه و آسایش را برای همه ساکنان فراهم می‌کند. همان‌طور که تکروری و انجام رفتارهای خارج از شئون علاوه بر مزایای زندگی را به کام دیگران تلخ می‌کند. گسترش آبارتمان‌نشینی در سال‌های اخیر منجر به بهبود سطح آن و آموختن روش این نوع زندگی در میان مردم شده است. امروز دیگر برخی رفتارهای زشت و خارج از گذشته منسوخ و همه به سوی آموختن ابزار این زندگی حرکت می‌کنند. شاید از بهترین مکان‌هایی آموختن زندگی اجتماعی، مدارا و احترام به دیگران زندگی آبارتمانی باشد. اگر در محدوده کوچک زندگی خود در کمال آرامش و صمیمیت و احترام به دیگران زندگی کردیم، خواهیم دانست و توانست که از چگونه زندگی بزرگتر در جامعه گذر کنیم. سختی‌های جامعه مدرن امروز در نوع زندگی مردم تأثیری در شکل ایجاد کرده است. مردم را تبدیل به انسان‌های کم‌حوصله، غمگین و منزوی کرده که زندگی آبارتمان‌نشینی بخشی از زندگی مدرن و صنعتی آن است. گمده‌های دیروز و صمیمیت‌های گذشته رنگ فراموشی را بر روی چهره و انسان‌ها سخت در اندیشه گذر از امروز و رسیدن به فردا هستند. باید بپذیریم خستگی و کم‌حوصلگی مردم در زندگی آبارتمانی سوغات جامعه مدرن است برای ما.



دیدگاه شهروندان درباره نسبت فرهنگ آبارتمان‌نشینی و رعایت حقوق شهروندی

## آبارتمان؛ آزمایشگاه حقوق شهروندی

مشکلات اجتماعی و معضلات روانی باشد. رسیدن به یک فرهنگ واحد در هر مجموعه آبارتمانی در حالی که هر خانواده ساکن در هر واحد مسکونی، فرهنگ زندگی خاص خودش را دارد، مشکل است و همسو کردن همه فرهنگ‌ها هم در یک فرهنگ در عرصه عمل بسیار چالش‌برانگیز است. شناخت و درک فرهنگ آبارتمان‌نشینی می‌تواند به نوعی تمرین آشنایی با حقوق شهروندی و احترام به حقوق شهروندان در کل جامعه باشد. گزارش پیش‌رو نظرات چند شهروند را در مورد نسبت فرهنگ آبارتمان‌نشینی با شناخت و رعایت حقوق شهروندی جویا شده است.

حق به جانب می‌گوید: «چهار دیواری اختیاری».

توسعه شهرنشینی تغییرات زیادی در سبک زندگی مردم ایجاد کرده است. خانه‌های حیاط‌دار بزرگ جای خود را به آبارتمان‌های تنگ و کوچک داده‌اند. آدم‌ها باید در این روزگار از همدیگر و اجتماعات انسانی دور باشند ولی به واسطه زندگی در آبارتمان‌های متراکم و پر جمعیت مجبورند با همسایه‌هایشان تعامل داشته باشند. لازمه این تغییر در سبک زندگی سنتی به مدرن، درک فرهنگ زندگی در آبارتمان‌های تجار و به حقوق شهروندی دیگران است. قانون و فرهنگ، جزو لاینفک زندگی آبارتمان‌نشینی است و نادیده گرفتن این بخش مهم می‌تواند باعث به وجود آمدن بخش بزرگی از

طرح نو، راضیه زرگری [صبح یکی از جمعه‌های اخیر که معمولا کمتر مردم تعطیل هستند، بیشتر استراحت می‌کنند و دیرتر از خواب بیدار می‌شوند، با صدای گوش‌خراش یک مته از خواب می‌پریم. با تعجب به ساعت نگاه می‌کنم که هنوز به ۸ هم نرسیده با سر درد، دلخوری و اعصاب خردی بلند می‌شوم و سراغ منبع صدا می‌روم. همسایه دیوار به دیوار مان کله مبیجی آن هم روز تعطیل هوس کرده تابلویی به دیوار آتاش نصب کند. مطمئناً در آن لحظه فقط و فقط به کاری که می‌خواستیم انجام دهد فکر کرده نه به همسایه‌ای که کنار گوش زندگی می‌کند. جالب است وقتی اعتراض می‌کنم مرد همسایه با قیافه‌ای

## مصداق‌های عدم رعایت حقوق شهروندی

احسان ۲۳ ساله، کارشناس ارشد علوم سیاسی آبارتمان‌نشینی در ایران عمر درازی ندارد. از آن روزهایی که خانه‌های «حیاط‌دار» و «الینه «حیاط‌دار» ما جای خود را به ساختمان‌های بلند و عریض و طویل دادند خیلی نمی‌گذرد. از همان روزهایی که قرار شد خانه‌ها چند طبقه شوند؛ موضوعی به نام «فرهنگ آبارتمان‌نشینی» جای خود را در ادبیات شهری ایران باز کرد و هر روز گسترش یافت. در همان سال‌هایی که ایرانیان در جست‌وجوی دموکراسی و حقوق شهروندی بودند، آبارتمان‌نشینی و فرهنگ آن خیلی زود به موضوع حقوق شهروندی پیوند خورد و جای خود را در متون مربوط به این حوزه باز کرد. با این حال اما همچنان به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و تعاریف متفاوتی که از «حق» آبارتمان‌نشینی وجود دارد و گاه با «خوش‌نشینی» اشتباه گرفته می‌شود، نتوانسته‌ایم آنچنان که باید و شاید؛ کنار هم بودن در آبارتمان‌ها

لذت ببریم. مهمانی‌های بی‌وقت، سر و صداهای غیرعادی، صدای جدل‌های زن و شوهر، امتناع برخی ساکنان از پرداختن حق شارژ و... مهم‌ترین اسباب‌هایی هستند که هر کس یک بار تجربه آبارتمان‌نشینی را داشته باشد از آنها بی‌تصیب نمانده است. اینها همگی از کوچکترین مصداق‌های عدم رعایت حق شهروندی و تجاوز به حقوق دیگران است که هر روز به آن دست به گریبانیم.

## درک حقوق دیگران مهم‌ترین شرط آبارتمان‌نشینی

زهره ۴۰ ساله، کارشناس علوم تربیتی آبارتمان‌نشینی در شهرهای بزرگ با مشکلات زیادی روبه‌رو است. باین که تقریباً همه مناطق شهری از حالت خانه‌های قدیمی در آمده و آبارتمان‌سازی شده است ولی این فرهنگ حق همسایه‌داری و رعایت حقوق دیگر ساکنان، هنوز خوب برای مردم جانفنا شده است. اختلاف میان همسایگان بیشتر بر سر نداشتن ساکنان در طرز استفاده از مشاعات، سلیقه‌های گوناگون و

قوانین آبارتمان و احترام به حقوق دیگران می‌کند. اگر خواست ما حاکمیت نگاه شورایی برای اداره جامعه باشد، به‌طور قطع انتخاب مدیر ساختمان و اعضای هیأت‌مدیره و رعایت مصوبات این هیأت نخستین تمرین جدی به‌شمار می‌آید.

## آیا زندگی آبارتمانی توانسته ما را به پذیرش حاکمیت قانون نزدیک‌تر کند؟

به نکته مهمی اشاره کردید. ما در این بحث به این نتیجه رسیدیم که آبارتمان‌نشینی نه‌تنه‌تفاهلی‌نفسه تعارضی با حاکمیت قانون و مردم‌سالاری ندارد، بلکه می‌تواند بستر مناسبی برای تمرین حاکمیت شورایی باشد.

اما این که آیا در چند دهه اخیر ما از این شیوه

فرهنگ‌های قومی مختلف است که اختلاف‌های زیادی میان ساکنان به‌وجود می‌آورد. تعریف حق دیگران و احترام گذاشتن به حق افرادی که در فاصله نزدیک با ما زندگی می‌کنند، مهم‌ترین شرط آبارتمان‌نشینی است. من شاهد بودم که در مواقعی این اختلاف‌ها مثلاً بر سر جای پارک خودرو در پارکینگ و حق شارژ به‌حدی بالا می‌گیرد که کار به شکایت و دادگاه می‌کشد. باین که در فرهنگ اصیل ایرانی و حتی در آموزه‌های دینی خود همیشه تأکید به همسایه‌داری و ارتباط دوستانه با همسایه شده است. ولی الان مردم در آبارتمان‌نشینی بیشتر به خود و خانواده‌شان فکر می‌کنند و نوعی خودخواهی در ارتباطات خانواده‌ها در آبارتمان‌نشینی دیده می‌شود. به عقیده من حقوق شهروندی در مقیاس خیلی کوچکتر می‌تواند در فرهنگ آبارتمان‌نشینی قوی‌تر و از یک محیط جمعی با مقررات ویژه آن تعریف شود. هر چه آداب و مقررات زندگی مدرن و احترام به حقوق دیگران بیشتر در جامعه نهادینه شود، می‌توانیم به توسعه و شناخت حقوق شهروندی در میان

## آبارتمان‌نشینی و تمرین دموکراسی

زندگی جدید برای درک بهتر ضرورت قانون‌گرایی و حاکمیت شورایی به درستی استفاده کرده‌ایم یا خیر، باید بگوییم متأسفانه این گونه نشده و ما تنها از روی اجبار و ناچاری در محیط زندگی خود به این امور تن می‌دهیم. برای روشن‌تر شدن بحث مثالی را مطرح می‌کنم. اکثر افرادی که در یک آبارتمان سکونت دارند، به دلایل مختلف قوانین هم قوانین کلی و هم قوانینی که به‌طور اختصاصی در یک آبارتمان و از سوی مدیر یا هیأت‌مدیره تنظیم شده است را رعایت می‌کنیم. مثلاً در پارکینگ مشخص، خودروی خود را پارک کرده و تلاش می‌کنیم حقوق دیگران را رعایت کرده و سر و صدا نکنیم.

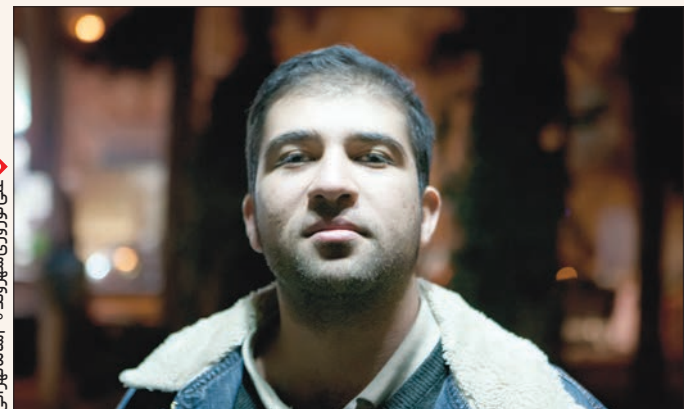
• فرهنگ آبارتمان‌نشینی، از ۱۰ سال پیش تا امروز تغییر کرده؛ چطور می‌تواند از امروز به بعد تغییر نکند؟ پاسخش کوتاه بود. باطمینان گفت: «تغییر می‌کند. قطعاً تغییر می‌کند. مدتی می‌شود. تا زمانی که همه، تنها، خود را می‌بینند، وضع بدتر خواهد شد. خیلی بدتر از وضع کنونی».

• اگر چه بسته به فرهنگ هر خانواده و محیطی که آنها در آن رشد پیدا کرده‌اند، می‌تواند مثال‌های نقضی پیدا شود. اما چیزی که امروزه تا حد زیادی با آن مواجهیم، همین خودخواهی بسیاری از افراد و خانواده‌هاست که بدون توجه به خانواده‌های دیگر ساکن در یک آبارتمان، رفتاری انجام می‌دهند که موجب سلب حقوق همسایگان می‌شود

• از کدام فرهنگ آبارتمان‌نشینی صحبت می‌کنید؟ مردم باید پیش از فرهنگ آبارتمان‌نشینی، پاکیزگی و احترام به افراد، خصوصاً میانسالان و کهنسالان را یاد بگیرند. حرف‌هایش حقیقت بود. نمی‌دانم با تاییدهای پی‌درپی من، آرام شد یا نه. اما چه فایده؟

همسایگان می‌شود.». همسرم تنها زندگی می‌کنیم. سنی از ما گذشته و نیاز به استراحت و آرامش داریم.

۲ دختر و پسر جوانی که نامزد بودند و هنوز بزرگ سق، زندگی نمی‌کردند، دو نفر دیگری هستند که نظرشان را در باب فرهنگ آبارتمان‌نشینی جویا شدم که آیا در جامعه ایران جا افتاده است یا خیر؟ دختر جوان، قاطعانه، پاسخ کوتاهی به سوالم داد: «در بسیاری از مناطق، خیر». سکوت کردم تا ادامه دهد. همان‌طور که حدس می‌زد، مقوله «منطقه زندگی» را به حکمش تسری داد: «اگر چه بسته به منطقه زندگی، بالا یا پایین شهر بودن و به تبع فرهنگ آن منطقه، صحبت از وجود یا عدم فرهنگ آبارتمان‌نشینی، متفاوت خواهد بود». دختر جوان به‌عنوان نمونه، خواهرش را مثال زد که در منطقه‌ای، اما همین مردم وقتی از آبارتمان خود خارج می‌شوند، دیگر تأکیدی برای رعایت قانون ندارند. در نخستین فرصت از چراغ قرمز عبور می‌کنند، در مقابل در خانه‌های دیگران توقف می‌کنند، در رانندگی به حقوق دیگران احترام نمی‌گذارند. در محل کار خود تأکیدی بر قوانین و عرف جامعه از جمله تکمیل رباب رجوع و انجام وظیفه به‌طور دقیق و صحیح ندارند. بنابراین نمی‌توانیم بگوییم که ایرانیان از شیوه زندگی آبارتمانی برای تمرین مردم‌سالاری به درستی استفاده کرده و تنها به دلیل اجبار به حاکمیت قانون و احترام به حقوق دیگران در ساختمان محل سکونت خود، تن می‌دهند.



علیرضا وزیری، شهروند و «سازماندها»

دیده‌ای؟

• آیا آبارتمان‌نشینی می‌تواند به عنوان یک تمرین مفید برای دستیابی به دموکراسی در سطح کلان ملی تعریف شود؟

به‌طور قطع ساخت ظاهری در محتوای درونی روابط اجتماعی تأثیر گذار است و نمی‌توانیم منکر این تأثیرات شویم. انسان‌ها به دلیل بهره‌مندی از قوه تفکر می‌توانند در همه شئونات زندگی خود نگاه شورایی را حاکم کنند. اتفاقاً شیوه زندگی در آبارتمان‌ها تأثیر بسیار زیادی در قانون‌گرا تر شدن افراد داشته و بدون رعایت حقوق دیگران، نمی‌توانیم در یک آبارتمان زندگی کنیم چون این زندگی دوام نخواهد داشت. چرا که بلافاصله دیگران اعتراض کرده و اعتراض آنها شما را مجبور به رعایت